

پیش نویس (آلترنا تيو)

پیش نویس (آلترنا تيو)

قطعنامه در باره بحران هسته ای ایران

محسن مقصودی

اکتبر ۲۰۱۰

1- شورای امنیت سازمان ملل متحد در خرداد ماه سال جاری چهارمین قطعنامه خود را در رابطه با بحران هسته ای ایران به تصویب رساند که در آن ضمن تاکید بر حق ایران برای بهره گیری از فن آوری صلح آمیز اتمی، جمهوری اسلامی را به دلیل بی اعتنائی به قطعنامه های پیشین شورای امنیت محکوم کرده است و جمهوری اسلامی را در موارد مشخصی مورد تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داده است. به دنبال تحریم های سازمان ملل، تحریم های مضاعفی نیز از سوی امریکا و اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا و... در عرصه های مختلف اقتصادی از جمله در صنایع نفت و گاز ایران اعلام شده است. ابعاد وسیع این تحریم ها و همچنین تهدیدها، نقل و انتقالات و مانورهای نظامی در آبهای خلیج فارس نشان میدهند که بحران اتمی ایران وارد مرحله جدیدی شده است و خطر جنگ و یا ضربه نظامی نسبت به گذشته افزایش یافته است؛

2- تحریم های بین المللی و خطر جنگ علیه ایران در شرایطی شدت گرفته است که شکاف بین مردم و رژیم عمیق تر شده است و سرکوب جنبش 22 خرداد، به انزوای سیاسی رژیم در کشور ابعاد وسیع تری بخشیده است. شعار های مردم در جنبش سبز علیه سیاست خارجی ماجراجویانه دولت احمدی نژاد، نشانگر مخالفت مردم با تنش زائی رژیم در عرصه بین المللی می باشد. در افکار عمومی جامعه مسئولیت این تحریم های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی میکند، متوجه باند خامنه ای - احمدی نژاد و مافیای حاکم بر کشور است که با اختصاص بخش بزرگی از درآمدهای حاصله از نفت به برنامه غنی سازی اتمی، نظامیگری و حمایت مالی و نظامی از تروریسم در منطقه، و با انکار هولوکاست و تکرار شعار نابودی اسرائیل، ایران را به لبه پرتگاه اقتصادی، نظامی و امنیتی می کشانند؛

3- هدف سیاست اتمی رژیم، تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه بهر قیمت است. تمام مانور های جمهوری اسلامی در مذاکرات با کشور های 1+5 در خدمت همین هدف قرار دارد. در داخل کشور نیز لازمه پیشبرد سیاست ماجراجویانه، سرکوب جنبش اعتراضی مردم و ایجاد سکوت گور

ستانی با گسترش جو رعب و وحشت در جامعه از یکسو، و سرپوش نهادن بر اختلافات میان خودی ها و خصوصا تهدید و تطمیع محافل اصلاح طلب در جهت پذیرش اوامر ولی فقیه و التزام به حکم حکومتی از سوی دیگر است. این تاکتیک خامنه ای اگر چه در پاره ای از اصلاح طلبان تمایل به آشتی ملی در مقابل تهدید خارجی را برانگیخته است، اما با مقاومت موسوی و کروبی و اغلب اصلاح طلبان زندانی رو برو گردیده است. با این وجود، عدم مرز بندی میر حسین موسوی و مهدی کروبی با اساس سیاست اتمی رژیم و خصوصا پافشاری آنان بر ادامه غنی سازی اورانیم در ایران (در شرایطی که این کار حتی از لحاظ صرفا اقتصادی هم برای ایران مقرون بصرفه نیست)، عملا مخالفت ها را در جنبش سبز با سیاست های هسته ای حاکم تضعیف نموده اند، و از این طریق به کل این جنبش آسیب می رسد؛

4- استراتژی امریکا و غرب در بحران هسته ای ایران، جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای حتی از طریق مداخله نظامی و توسل به جنگ است. اما جنگ نمیتواند جز به تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیرو های ترقی خواه و دموکرات کشور منجر شود. بر عکس، وادار کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و پذیرش تعلیق غنی سازی و عقب نشینی در بحران هسته ای، خطر جنگ را کمتر ساخته، به تحریم های بین المللی پایان داده، موجب محدود شدن امکانات رژیم برای سرکوب و در نتیجه فراهم شدن شرایط گسترش جنبش دموکراتیک مردم میگردد. این آلترناتیو اما، تنها با مبارزه تمام ایرانیان برای بر هم زدن توازن قوای موجود در کشور، ممکن و قابل تحقق است. به همین دلیل تحریم های بین المللی، آنگاه می توانند موثر باشند که تضعیف کننده مبارزه مردم ایران علیه سیاست های خانمان برانداز و ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی نباشند. مخالفت و مبارزه یکپارچه اکثریت قاطع مردم ایران علیه سیاست اتمی رژیم شرط اجتناب ناپذیر عقب نشینی رژیم و حل بحران بین المللی هسته ای است. موافقت در بست و چشم بسته با این تحریم ها بدون ارزیابی دقیق تاثیر آنان بر روی زندگی روزمره و مبارزه عمومی مردم ایران برای آزادی و دمکراسی، خطای بزرگی است که عملا دست جمهوری اسلامی را در سرکوب مردم و دستیابی به سلاح هسته ای باز میگذارد؛

5- چهارمین گرد همائی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، ضمن محکوم کردن هرگونه حمله نظامی به ایران، خواستار تعلیق غنی سازی و توقف تولید انرژی برق از طریق نیروگاه اتمی است. ما خواهان خاور میانه ای عاری از سلاح و نیروگاه های هسته ای هستیم. ما تنها تحریم هائی را مثبت و موثر می دانیم که به هیچ وجه زندگی

و امنیت مردم کشورمان را تحت تاثیر قرار نمی دهند و صرفاً برنامه های هسته ای رژیم را محدود و یا متوقف ساخته، سرکوب کنندگان آزادی های مردم ایران را از لحاظ دیپلماتیک، مالی و تدارکاتی تحت فشار قرار می دهند.